

# **A Structural Survey of Prosopography, Dignitaries and Titels in ŠKZ and Narsi Paikuli Inscriptions**

Cyrus Nasrollahzadeh(Ph.D.)<sup>1</sup>

The present paper compares two important Sasanid inscriptions: one is the three-lingual Shahpur inscription on Ka'be-ye Zardosht, and the other is the bilingual Narseh inscription in Paikuli located in Iraq. These two inscriptions are both significant for the way they narrate the political events of that era, and the references they make to kinship relations, internal structure of the government and official titles and dignitaries. This paper both surveys and makes a comparison between such references and narrations.

---

<sup>1</sup>- Associate professor of Ancient Iranian Languages and Cultures, The Research Institute for Cultural Heritage Organization, Handy Crafts and Tourism.

# بررسی ساختاری نام‌تبارشناسی و مقامات و مناصب در کتیبه شاهپور بر کعبه زردشت و کتیبه نرسی در پایکلی

سیروس نصراله‌زاده<sup>۱</sup>

## چکیده

مقاله حاضر در خصوص مقایسه دو کتیبه مهم دوره ساسانیان آغازین است. این دو کتیبه شامل کتیبه سه زبانه شاهپور بر کعبه زردشت و کتیبه دو زبانه نرسی در پایکلی در عراق امروزی است. این دو کتیبه هم به جهت نقل حوادث سیاسی عصر خود و هم به جهت اشاراتی که به نسبت‌های خانوادگی و نیز ساختار درونی حکومتی و مناصب و مقامات حکومتی دارند، بسیار حائز اهمیت‌اند. در این مقاله این ساختارها بررسی و تحلیل شده است.

**واژه‌های کلیدی:** کتیبه‌ها، ساسانیان آغازین، کتیبه شاهپور بر کعبه زردشت، کتیبه نرسی در پایکلی، نام‌تبارشناسی، ساختارهای حکومتی

## ۱- مقدمه

منابع برای مطالعه تاریخ ایران باستان را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: منابع ایرانی و منابع غیرایرانی. منابع ایرانی به سبب ویژگی نگاه تاریخی ایرانی، مبتنی بر تاریخ شفاهی است که ویژگی‌های خاص خود را دارد. از نتایج این دیدگاه وجود اندک منابع نوشتاری همزمان است. در قیاس با مدارک انبوه نوشتاری میان‌رودان و هند، دو همسایه شرق و غرب، به خوبی قلت منابع مکتوب در ایران باستان درک می‌شود. از همین روست که تعداد منابع همزمان ایران باستان که به طور کلی «کتیبه» نامیده می‌شود بسیار اندک است، اما آنچه موجود است اغلب گزارش تاریخی محسوب نمی‌شوند و بیشتر جنبه تبلیغاتی و سلطنتی دارند. در تمام طول تاریخ ایران باستان سه کتیبه قابل ذکرند که به تفصیل وقایع تاریخی زمان خود را بازگو می‌کنند. ۱- کتیبه داریوش در بیستون که در سه روایت، فارسی باستان، عیلامی و اکدی، وقایع سه سال نخست به قدرت رسیدن داریوش اول را بازگو می‌کند. این کتیبه به حقیقت بزرگترین صخره نوشته در جهان است که هم

<sup>۱</sup> - عضو هیئت علمی پژوهشکده باستان‌شناسی، پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی

روایت کتیبه و هم نقش برجسته یک واقعه را بازگو می‌کند. تنها نمونه مشابه کتیبه «آنوبانی‌نی» در سر پل ذهاب است که گفته می‌شود الگوی داریوش در ایجاد نقش برجسته بیستون است. دو کتیبه دیگر مربوط به دوره ساسانیان آغازین است. ۲- کتیبه شاهپور بر کعبه زردشت که آن هم سه زبانه است و به زبان‌های فارسی میانه ساسانی، پهلوی اشکانی و یونانی نوشته شده است. ۳- کتیبه نرسی در پایکلی در عراق، کتیبه دو زبانه، فارسی میانه ساسانی و پهلوی اشکانی است.

کتیبه شاهپور بر کعبه زردشت به لحاظ وقایع سیاسی در خصوص رابطه ایران و روم دربردارنده اطلاعاتی است که منابع رومی از آن گزارشی نداده‌اند. این اطلاعات مربوط به سه جنگ بزرگ شاهپور با رومیان و فتوحات گسترده اوست. نخستین بار واژه انبرانی از این طریق در قاموس ادبیات سیاسی ایران وارد شده است؛ این سه جنگ منجر به کشته شدن امپراتور گردیان (نبرد نخست)، باج و خراج دادن فیلیپ عرب (معاهده صلح به نفع ایران) و اسیر شدن امپراتور والرین (نبرد سوم) شده است. اهمیت دیگر این کتیبه شناخت گسترده خانواده سلطنتی، ساختار حکومتی و مقامات و مناصب اداری، جغرافیای تاریخی ساسانیان آغازین و سنت‌ها و آیین‌های دینی است. کتیبه نرسی هم به جهت بازگو کردن انشقاق داخلی حکومت و نیز شناخت ساختار حکومتی بسیار قابل توجه است.

## ۲- مسائل روش‌شناختی در مطالعه تاریخ ساسانی

برای مطالعه تاریخ دقیق هر دوره‌ای باید آن دوره را به مقطع‌های زمانی دیگری تقسیم‌بندی کرد. در خصوص سلسله ساسانی این امر محسوس‌تر است. سلسله ساسانی عمری ۴۲۷ ساله (۲۲۴-۶۵۱م) دارد. این دوره به جهت منابع و تاریخ سیاسی، دارای فراز و فرودهای بسیاری است. در منابع متقدم فارسی و عربی برای دوره ایران باستان تقسیم‌بندی‌هایی آورده شده است. مسعودی (مروج‌الذهب ج. ۱: ۲۷۶) دوره ایران باستان را به چهار طبقه زیر تقسیم کرده است:

- ۱) گروه خدایان از کیومرث تا فریدون
- ۲) از فریدون تا دارا پسر دارا که کیان بودند
- ۳) اشکان که ملوک‌الطوایف بودند
- ۴) ساسانیان یعنی شاهان طبقه دوم از پارسیان

مسعودی طبقه‌بندی دیگری نیز آورده است. منابع دیگر نیز تقسیم‌بندی‌های دیگری کرده‌اند. تقسیم‌بندی معروف در شاهنامه و جاهای دیگر پیشدادیان، کیانیان، اشکانیان و ساسانیان است. اما در خصوص تاریخ ساسانی ملاک تقسیم بندی باید بر چه اساسی باشد؟ عامل اساسی برای فهم تاریخ دوره ساسانی می‌تواند تقسیم این سلسله بر اساس منابع همان دوره باشد. منظور از منابع، کتیبه‌ها و سکه‌های آن دوره است. محققان تاکنون این دوره را تا جایی که کتیبه‌ها به اتمام می‌رسند، یعنی شاهپور سوم؛ به دوره متقدم و متاخر تقسیم کرده‌اند (لوکونین، ۱۳۷۲). تقسیم‌بندی دیگر بر اساس

تقدم و تاخر منابع است. این تقسیم‌بندی را ژینیو (۱۹۸۴: ۲۵۳-۲۶۲) انجام داده است. او منابع را به سه بخش اولیه (منابع ایرانی)، ثانویه (منابع غیر ایرانی) و بخش سوم (منابع فارسی-عربی متأخر) تقسیم کرده است. اما این تقسیم‌بندی به دلیل پیشگفته در اینجا کاربرد ندارد. جدیدترین تقسیم‌بندی توسط شایگان صورت گرفته است. او بر اساس منابع کتیبه‌ای و سکه‌ها تاریخ ساسانی را به دوره‌های زیر تقسیم کرده است. از آنجایی که این تقسیم‌بندی دقیق است، مطالعه تاریخ ساسانی در این چارچوب آسان‌تر و قابل فهم‌تر می‌شود (شایگان، ۲۰۰۳: ۳۶۳-۳۸۴). بر این اساس، تاریخ سلسله ساسانی به دو دوره ۱- آغازین (۲۲۴-۵۳۱ م)، ۲- متأخر (۵۳۱-۶۵۲ م) تقسیم می‌شود. علت این دو پارگی اصلاحات خسرو اول است. مجموع این دو دوره به چهار دوره کلی الف- شاهنشاهی ب- کیانی پ- دوره افزونی ت- دوره خوره‌افزود تقسیم می‌شود:

۱- دوره آغازین (۲۲۴-۵۳۱ م)

الف) دوره شاهنشاهی: دوره حکومت سیاسی از اردشیر تا یزدگرد دوم (۲۲۴-۴۳۹ م)

- تاریخ اقتصادی و اجتماعی

- تاریخ اندیشه سیاسی (گرایش غالب فکری)

- تاریخ سیاسی

ب) دوره کیانی: دوره کی‌ها یا عصر پهلوانان و عصر حماسه از یزدگرد دوم تا پایان دوره

قباد (۴۳۹-۵۳۱ م)

- تاریخ اقتصادی و اجتماعی

- تاریخ اندیشه سیاسی (گرایش‌های غالب فکری)

- تاریخ سیاسی

۲- دوره متأخر (۵۳۱-۶۵۲ م)

پ) دوره افزونی (abzōnīg) از خسرو اول تا خسرو دوم (۵۳۱-۵۹۰ م)

- تاریخ اقتصادی و اجتماعی

- تاریخ اندیشه سیاسی (گرایش‌های غالب فکری)

- تاریخ سیاسی

ت) دوره خوره‌افزود (xwarrah abzūd) از خسرو دوم تا پایان حکومت یزدگرد

سوم (۵۵۲-۵۹۰ م)

- تاریخ اقتصادی و اجتماعی

- تاریخ اندیشه سیاسی (گرایش‌های غالب فکری)

- تاریخ سیاسی

اساس این تقسیم‌بندی شواهد سکه‌شناسی و نوشته‌های روی سکه‌ها است. دوره شاهنشاهی بر اساس عبارت «شاهنشاه ایران و انیران...»؛ دوره کیانی بر اساس واژه «کَی» (kay)؛ دوره

افزونی که در این دوره واژه شاهنشاه به همراه واژه «افزون» (abzōn) همراه است و دوره خوره‌افزود (xwarrahabzūd) که برای نخستین بار از زمان خسرو دوم بر روی سکه‌ها ضرب شد، تقسیم شده است. در این دوره که به تسامح آن را دوره «کتیبه‌ها (سنگ‌نشته‌ها)» می‌نامیم دو کتیبه بزرگ یکی کتیبه شاهپور بر کعبه زردشت و دیگری کتیبه نرسی در پایکلی بر جای مانده است. بیشترین آگاهی ما از نام‌شناسی و شناخت مقامات و مناصب بر اساس این دو کتیبه است.

### ۳- بررسی ساختاری نام‌تبارشناسی و مقامات و مناصب

تبارشناسی ساسانی بر دو بنیاد است. یکی تبارشناسی افسانه‌ای که در کارنامه اردشیر بابگان، شاهنامه و برخی منابع تاریخی فارسی و عربی موجود است و دیگری تبارشناسی تاریخی. مورد دوم در تمامی کتیبه‌ها و سکه‌های عصر ساسانی تا شاهپور دوم ثبت شده است (لوکونین، ۱۳۷۷: ۸۵ و ۹۱). تبارشناسی افسانه‌ای ساسانیان همچون پارتیان به دارای‌داریان می‌رسد. در سده پنجم میلادی ساسانیان خود را منسوب به کوی‌ها می‌کردند و این انتساب به صورت گسترده‌تر در نوشته‌های تاریخی و عربی که مبتنی بر منابع عصر ساسانی یعنی خداینامه‌هاست، آمده است. تبارشناسی تاریخی اما در نهایت به پابگ شاه می‌رسد و در لابه‌لای منابع دوره اسلامی هم قابل اثبات است. در کتیبه‌ها، شاهان ساسانی مشروعیت خود را از طریق اشاره به شاهان پیشین اثبات می‌کردند. این انتساب در کتیبه‌های دوره هخامنشی و اشکانی هم دیده می‌شود. منابع رومی به این انتساب اصطلاح «مالکیت نیاکانی» (progonoi) داده‌اند (ویسهوفر، ۱۳۷۷: ۲۰۰).

#### ۳-۱- کتیبه شاهپور بر کعبه زردشت (هویزه<sup>۱</sup>، ۱۹۹۹؛ بک، ۱۹۷۸؛ ماریک، ۱۹۵۸)

شاهپور در این کتیبه نسب‌شناسی خود را تا پابگ شاه ذکر می‌کند. این نسب‌شناسی در کتیبه‌های دیگر او مثل تنگ براق، حاجی‌آباد، نقش رجب و بیشاپور هم تکرار شده است. علاوه بر این نسب‌شناسی، او همچون اردشیر خود را مزداپرست می‌داند. نخستین بار در این کتیبه با واژه انیران مواجه می‌شویم که به جهت گسترش قلمرو ایران در خارج از مرزها است؛ در این کتیبه از این سرزمین‌ها نام برده شده و در کتیبه کردیر در کعبه زردشت دقیقاً نام‌جاهای ایرانی و انیرانی مشخص شده است. نخستین بار در کتیبه‌هاست که با مقام الوهی شاهان ساسانی مواجه می‌شویم. واژه «بی» (bay، یونانی theos) پیش از این در سکه‌های شاهپور بابگان آمده بود. آنچه در کتیبه‌ها، از اردشیر تا شاهپور دوم، به چشم می‌خورد عبارت «چهر از یزدان» (čīhr az yazadān) است. بدین ترتیب شاهان، تبار ایزدی خود را تأکید می‌کنند. این دعوی ایزدی داشتن از سلسله حاکم بر پارس یا فرتکره‌ها آغاز شد. هخامنشیان خود را صرفاً «از نژاد ایرانی» (ariyačiça) می‌دانستند. این لقب را نخست سلوکیان به کار بردند و اصل آن هلنی است. این عنوان پس از شاهپور دوم از

<sup>۱</sup>- Huyse

لقاب شاهان ساسانی حذف شد (دریابی، ۱۳۸۳: ۹-۱۵؛ لینکلن، ۱۹۹۰: ۱۱۸ و بعد). باز برای نخستین بار عبارت ایرانشهر در این کتیبه آمده است. ساسانیان برای نخستین بار این واژه را به جهت مشروعیت بخشیدن به خود به عنوان وارثان نیاکانشان و جانشین شاهان اسطوره‌ای و نیز پیروان دین زردشت وارد ادبیات کتیبه‌ای کردند (ویسهوفر، ۱۳۷۷: ۲۰۷؛ مکنزی، ۱۹۹۸: ۵۳۴). در ادامه کتیبه فهرست استان‌های ایرانی و انبرانی و سه جنگ شاهپور با رومیان آمده است. آنچه در این بخش قابل توجه است گسترش فوق‌العاده شاهنشاهی در عصر شاهپور است. در بند پایانی جنگ با رومیان (بند ۲۰ فارسی میانه ساسانی، بند ۱۶ پارتی و بند ۳۵ یونانی) تأکید بر این است اسپرانی رومی را که در شهرهای پارس، پارت، خوزستان، اسورستان و دیگر شهرها ساکن شدند از آن او، پدران و نیاکان و اجداد او یعنی دستگرد آنها بوده است. دستگرد به معنای اموال و املاک سلطنتی است. این بیان در ادامه ادعای اردشیر است که در طلب سرزمین‌های نیاکان خود بوده است. در اینجا شاهپور اشاره دارد که در هر جا رفته «آتش بهرام برپا کرده و باعث شادی بسیاری از معمردان» شده است. این جمله را کردیر در کتیبه کعبه زردشت خود، که در کنار روایت فارسی میانه این کتیبه است، مکرراً آورده است.

در این بخش کتیبه که پژوهش اصلی این مقاله است به نام اشخاص و مناصب و مقامات پرداخته می‌شود. در این بخش پنج فهرست نام اشخاص قابل تفکیک است:

- ۱- فهرست خانواده شاهپور
- ۲- فهرست خاندان سلطنتی ساسانی و خانواده شاهپور
- ۳- فهرست درباریان پادشاه
- ۴- فهرست درباریان اردشیر پادشاه
- ۵- فهرست درباریان شاهپور پسر اردشیر

این بخش کتیبه در واقع وقف نذورات و تاسیس آتشکده برای خاندان سلطنتی و درباریان شاهنشاهی ساسانی است. برای خاندان سلطنتی سه اصل ثابت متصور شده‌اند: ۱- قانون جانشینی بر اساس نظام پدرسالارانه که از پدر به پسر و گاه از برادر به برادر رسیده است. در این کتیبه نیز هرمز اردشیر نمونه این اصل است. ۲- برای اعضا زنده یا مرده سلطنتی نذورات (آیین پدروان) و یا آتشکده نامگذاری می‌کردند که اساساً کتیبه شاهپور در این خصوص است. ۳- رسم خویدوده، که در این کتیبه و نیز کتیبه‌های کردیر بدان اشاره شده است (ژینیو، ۱۹۹۰: ۳۵۹ و بعد) این نکته حائز اهمیت است که جایگاه و رتبه درباریان ساسانی بر اساس مقام و نه رابطه خونی آنان بود.

### ۳-۱-۱- فهرست خانواده شاهپور

در این فهرست شاهپور برای خانواده خود آتشکده تاسیس می‌کند. در این فهرست، نامی از همسران دیگر شاهپور نیامده است. نفر اول این فهرست دختر و همسر شاهپور است. در این فهرست نام

پسران شاهپور بر اساس مقام و شأن آنها آمده است. آمدن نام آذراناهید در رتبه اول احتمالاً بدین سبب بوده است. چهار پسر شاهپور به ترتیب مقام عبارتند از: هرمز اردشیر (هرمز اول بعدی) شاه بزرگ ارمنیه که ولیعهد هم هست؛ شاه ارمنیه به مقام ولیعهدی داده می‌شد؛ شاهپور شاه میشان، نرسی شاه سیستان و توران تا کناره دریا. هر آتشی که وقف می‌شد به نام همان شخص نامیده شده است. در این فهرست نام بهرام گیلانشاه، دیگر پسر شاهپور نیامده است. صرفاً در فهرست خاندان سلطنتی از او نام برده شده است. وقف و تاسیس آتشکده، بر اساس این فهرست، برای اشخاص درجه اول شاهنشاه بوده است. این فهرست و فهرست دوم اشاره به یکی از نهادهای مهم عصر ساسانی یعنی سنت «پدروان» (برای روان pad ruwān) دارد. رسم پدروان یکی از بنیادهای موقوفات دینی بوده است. در اصل، نهادهای سرمایه‌ای بودند که افراد از دارایی خویش ایجاد می‌کردند که صورت خیرخواهانه داشت. این سنت وقف صورت‌های مختلف داشت. گاه به مناسبت ساختن پل مثل کتیبه مهرنرسی یا چشمه‌ای بوده است و گاه تاسیس یک آتشکده بوده است که نمونه آن همین کتیبه کعبه زردشت است و گاه ایجاد آرامگاه و سنگ قبر که نمونه آن کتیبه‌های سنگ مزار اواخر دوره ساسانی است. درآمد حاصله از این موقوفات صرف امور خیریه دیگر می‌شد. شاهپور پس از فهرست اول به این امر اشاره دارد که از درآمد این آتشکده‌ها باید هر روز خیرات بره، نان و می به اشخاصی که نام برده وقف شود. بدین ترتیب، فهرست دوم که اشخاص خاندان سلطنتی باشد آغاز می‌شود. این سنت وقف پدروان بر عهده دیوان خاصی به نام «دیوان کردگان» بوده است. این نهاد بعدها مورد استقبال مسلمانان نیز قرار گرفت (پریخانیان، ۱۳۷۷: ۵۰ به بعد و شاکد، ۱۳۸۱: ۳۱۷-۳۳۲). بر اساس این فهرست دو سطح حکومت قابل شناسایی است. در سطح اول شاهنشاه قرار دارد و پس از او شاهان. این شاهان هم می‌توانند پسران شاه باشند که این فهرست روشنگر این امر است و یا اینکه از اشراف و بزرگان باشد که در فهرست درباریان اردشیر و شاهپور قابل مشاهده است. بنا به کتیبه دیگر شاهپور در حاجی‌آباد، دربار سلطنتی به ۴ گروه و طبقه مشخص تقسیم شده است: (۱) شهریاران (۲) واسپوهرگان (۳) بزرگان (۴) آزادان. مطالب کتیبه شاهپور بر کعبه زردشت، و نیز کتیبه نرسی در پایکلی، توسعه یافته این چهار طبقه است.

### ۳-۱-۲- فهرست خاندان سلطنتی

این فهرست و فهرست‌های بعدی برای نذورات بره، نان و می است. نام اول این فهرست ساسان خودای است. اگرچه مستقیماً اشاره‌ای نشده اما او می‌تواند جد شاهپور اول باشد که نام خود را به این سلسله داده است. پس از ساسان، عموی شاهپور یعنی شاهپور پایگان و پدرش اردشیر نام برده شده‌اند. پس از این سه، نام سه زن آمده است که هر سه همسران شاهپور هستند. ترتیب عنوان‌ها یعنی شهربامبشن (شهبانوی کشور)، بامبشان بامبشان (شهبانوی شهبانوان) و بامبشن (شهبانو) است. حضور ۱۶ زن در کتیبه شاهپور نشانگر اهمیت و نقش مهم اینان در این دوره و طول تاریخ ساسانی

است. پس از این، نام پسران شاهپور آمده است. نفر اول بهرام گیلانشاه است. که در فهرست قبلی نامی از او نیامده است. در ادامه دیگر اعضای خاندان سلطنتی و نوه‌های شاهپور آمده است. برای ترتیب مقام بانوان سلطنتی این نظم قابل مشاهده است: شهربامبشن، شهبانوی شهبانوان، بامبشن و بانو. برای این فهرست این ترتیب را می‌توان قائل شد:

۱) نیاکان شاهپور

۲) همسران شاهپور

۳) پسران شاهپور

۴) همسران پسران، برادران با عنوان ویسپوهر، مادر شاهپور، چند عضو ناشناخته سلطنتی و نوه‌های شاهپور شامل پسران و دختر شاهپور میشان شاه و دختر نرسی.

### ۳-۱-۳- فهرست درباریان پابگ شاه

این فهرست شامل اعضای درباری پابگ شاه و شامل نام هشت نفر است. در این فهرست بیشتر اسامی اعضاء خاندان ذکر شده است. تنها یک نفر عنوان دار یعنی زیگ آینه‌دار وجود دارد. این نشان می‌دهد که در این زمان هنوز دربار شکل نگرفته بود. علت آن تابعیت پابگ شاه از شاهنشاه اشکانی بوده است و هنوز خاندان ساسانی مستقل نشده بودند.

### ۳-۱-۴- فهرست درباریان اردشیر

این فهرست، درباریان اردشیر را معرفی می‌کند و شامل نام سی‌ویک نفر است. افزایش تعداد نام‌ها گسترش فوق‌العاده ساختار درباری و حکومتی ساسانیان را از پابگ شاه تا شاهنشاهی اردشیر نشان می‌دهد. ترتیب مقامات در این فهرست به شرح زیر است:

الف- فهرست شاهان که چهار نفرند، احتمالاً بجز سدارب، سه نفر دیگر پسران اردشیر باشند.

ب- سه ملکه: دینگ مادر پابگ شاه، رودگ مادر اردشیر و دینگ شهبانوی شهبانوان دختر پابگ شاه و همسر اردشیر.

پ- دو مقام ارشد بیدخشی و هزارید/هزاررُفتی

ت- خاندان بزرگ اشرافی به ترتیب مقام شامل خاندان وراز، سورین، اندیگان و کارن.

ث- مقامات دیگر به ترتیب عبارتند از مقام افتخاری اردشیرفر، که این مقام‌های افتخاری در دربار شاهپور به ۷ عنوان می‌رسد، و سپس مقام‌های سپاهبد، دبیرفت، آیین‌دار(وزیر دربار و تشریفات)، عنوان مایانید که ناشناخته است، زین‌بد (اسلحه‌دار)، داور یا قاضی، آخورید یا رئیس اصطبل شاهی، نخجیرید(رئیس شکار سلطنتی)، گرسدبد(رئیس خواروبار و آذوقه)، می‌دار.

آنچه در این فهرست جالب توجه است نبود مقام دینی است. نیز، برای اولین بار از خاندان بزرگ اشرافی نام برده شده است.

**۳-۱-۵- فهرست درباریان شاهپور**

فهرست درباریان شاهپور شصت و هفت نفره است. این وسعت دربار، برازنده شاهی است که عنوان ایران و انیران دارد. صاحب‌منصبان این فهرست را می‌توان به شرح زیر تقسیم کرد:

- ۱- شاهان که سه نفرند
- ۲- پنج مقام ویسپوهری
- ۳- هفت عنوان افتخاری
- ۴- مقام بیدخشی و هزاررقتی/هزاربید و اسببد که بعدها، در دوره میانه ساسانی، دو مقام بزرگ فرمدار و سپاهبد جای آنها را می‌گیرند. یک مقام بیدخشی نیز در رتبه ۳۲ آمده است.
- ۵- خاندان بزرگ اشرافی وراز، سورین، اندیگان، کارن
- ۶- دو مقام فرمدار در رتبه‌های ۱۷ و ۵۵
- ۷- هفت مقام شهری
- ۸- مقامات دیگر به ترتیب عبارتند از دزبید(رئیس دژ)، آیین‌دار(وزیر دربار و تشریفات)، اندرزبید، شمشیردار، رئیس خدمتکاران، فرمانده دربانان شاهی، دبیربید، گرسبید، رئیس زندان، دربان شاهی، هیربید، گنجور، فرمدار، دبیر، خواجه حرم، رئیس بازار، داور.

در این فهرست آنچه جالب است مقام یک زن یعنی دینگ، همسر شاهپور میشان شاه است که احتمالاً به جای شوهرش، شاهپور که در این زمان مرده بود، در میشان، شاه شده است. دیگر، مقام کردیر است که یک هیربید بود و در جایگاه آخر قرار دارد. در فهرست درباریان شاهپور از دو ساسان ویسپوهر نام برده شده است که نزد دو خانواده کدوگان و فرگان تعلیم یافته و تربیت شده‌اند. این نکته اشاره به رسمی کهن دارد. در ایران باستان چنین رسم بوده که خاندان سلطنتی و اشراف فرزندان خود را دور از خانه می‌فرستادند و نزد خاندانی که مشهور بودند تعلیم می‌یافتند. نمونه برجسته این رسم در خصوص اردشیر قابل اشاره است که در سن هفت سالگی نزد ارگبذ دارابگرد پرورش یافت و دیگری سیاوش است که رستم دستان او را تربیت و پرورش داد. این رسم به نوعی بنیاد و نهاد تعلیم و تربیت در ایران باستان، به تعبیر نگارنده رسم *دایگانی*، بوده است.

**۳-۲- کتیبه نرسی در پایکلی**

در این کتیبه دو فهرست از مقامات و بزرگان آمده است. فهرست دومی نام‌ها و مناصب بیشتری را دربردارد. این دو فهرست تا حدی با فهرست مقامات و بزرگان در کتیبه شاهپور بر کعبه زردشت همسان‌اند. این دو فهرست به سه بخش اصلی قابل تقسیم‌اند:

- ۱- اعضا خاندان سلطنتی
- ۲- اعضا خاندان بزرگ اشرافی
- ۳- دیگر مقامات و بزرگان درباری

آنچه در این دو فهرست جلب نظر می‌کند این است که «رخش سپاهبد» در فهرست نخست در روایت فارسی میانه ساسانی در میانه دو مقام هزاربد و خانواده سورین جای گرفته است؛ در فهرست چهارم کتیبه شاهپور بر کعبه زردشت پیروز اسببد در این موقعیت است. اما، در روایت پارسی این کتیبه، رخس سپاهبد پس از خانواده سورین آمده است. در فهرست دوم این کتیبه رخس سپاهبد چند مرتبه پایین‌تر و پس از خانواده کارن آمده است که این جایگاه برابر رتبه او در کتیبه شاهپور بر کعبه زردشت در فهرست سوم است (شروو<sup>۱</sup>، ۱۹۸۳ (۳/۲): ۳۹). دیگر این که برای نخستین بار در این کتیبه مقام ارگیدی در کتیبه‌ها آمده است. ارگید در این کتیبه در صدر مقامات جای دارد. ترتیب خاندان بزرگ اشرافی که در کتیبه کعبه زردشت شاهپور با وراز آغاز شده در این کتیبه سورین جای آن را گرفته است. از خاندان کارن نامی نیامده که البته طبیعی است چرا که اردشیر کارن در صف مخالفان نرسی است.

الف) فهرست نخست (بند ۱۶)	ب) فهرست دوم (بند ۳۲)
۱- شاهپور ارگید	۱- شاهپور ارگید
- نرسی ویسپوهر پسر ساسان	- پیروز ویسپوهر
- پابگ بیدخش	- نرسی ویسپوهر پسر ساسان
- اردشیر هزاربد	- پابگ بیدخش
- رخس سپاهبد	- اردشیر هزاربد
- اردشیر سورین	- اردشیر سورین
- هرمز وراز	- هرمز وراز
- وهرانداد فرمانروای اندیگان	- وهرانداد فرمانروای اندیگان
۲- دیگر ویسپوهران، بزرگان، کدخدایان، آزادان، پارسیان، پارتیان	- کردیر موید اورمزد
	- نرسی کارن
	- رخس سپاهبد
	- اردشیر تهم شاهپور
	- شهر آمار دبیر، نام این مقام ناشناس است.
	- جویگرد
	۲- دیگر ویسپوهران، بزرگان، کدخدایان، آزادان، کدخدایان، شهرها، آمارگران، انباردار شاهی(?) و دیگر پارسیان، پارتیانی که در اسورستان و خوزستان و گرمابه و سیازور

<sup>۱</sup>- Skjærvø

در این فهرست ترتیب طبقاتی شهریاران، ویسپهران، بزرگان، آزادان دیده می‌شود که شاهپور در کتیبه حاجی‌آباد خود آورده است و کتیبه کعبه زردشت او نیز آن را تایید می‌کند. ترتیب مقامات در جاهای مختلف کتیبه را می‌توان چنین خلاصه کرد:

- ۱- بند ۷ فارسی میانه و ۶ پارتی: ویسپهران - بزرگان - کدخدایان - آزادان - پارس و پارت
- ۲- بند ۸ فارسی میانه و ۷ پارتی: ویسپهران - ارگبذ - بزرگان - آزادان
- ۳- بند ۱۶ و ۱۷ فارسی میانه و ۱۵ پارتی: ویسپهران - بزرگان - آزادان - کدخدایان
- ۴- بند ۱۹ فارسی میانه و ۱۷ پارتی: ارگبذ - ویسپهران - بزرگان - آزادان - کدخدایان
- ۵- بند ۳۰ فارسی میانه و ۲۷ پارتی: ارگبذ - شهریاران - ویسپهران - بزرگان - آزادان -

#### کدخدایان

- ۶- بند ۳۷ فارسی میانه و ۳۴ پارتی: شهریاران - ویسپهران - بزرگان - آزادان
- ۷- بند ۳۸ فارسی میانه و ۳۵ پارتی: شهریاران - ویسپهران - بزرگان - آزادان - پارسیان و

#### پارتیان

- ۸- بند ۴۰ فارسی میانه و ۳۸ پارتی: شهریاران - بزرگان - ویسپهران - بزرگان - آزادان -

#### کدخدایان - پارسیان - پارتیان.

- ۹- بند ۴۱-۴۲ فارسی میانه و ۳۹ پارتی: شهریاران - ویسپهران - بزرگان - آزادان - پارسیان - پارتیان (شروو، ۱۹۸۳ (۳/۱): ۴۶). آنچه در این فهرست و طبقات ساسانی زمان نرسی دیده می‌شود جابجایی طبقه کدخدایان است. از پنج مورد اشاره شده به این طبقه، بجز یک مورد که پس از طبقه بزرگان آمده، در جاهای دیگر به طور ثابت پس از طبقه آزادان جای گرفته است. حضور مقام ارگبذ پس از ویسپهران در شماره ۲ جالب و قابل توجه نیست. آیا در این زمان ارگبذ تبدیل خانواده اشرافی شده بودند. چنانکه در این خصوص، در زمان یزدگرد دوم از مهرشاه از خاندان ارگبذ (۴۱۰م) آگاهی داریم. (شایگان، ۱۳۷۸: ۲۸۸) بخش پایانی کتیبه دو فهرست از شاهان و فرمانروایان بزرگ‌تر استان‌ها و فهرست دوم شامل شاهان و فرمانروایان کوچک‌تر است. ترتیب هر دو فهرست به ترتیب از شاهان شرق به غرب یاد شده است. نظم فهرست اول بر اساس همان ترتیب استان‌ها در کتیبه کعبه زردشت است. در فهرست دوم چنین هماهنگی دیده نمی‌شود. در فهرست دوم میان روایت فارسی میانه و پارتی هماهنگی وجود ندارد.

#### ۴- نتیجه‌گیری

بر اساس مباحث زبرنوشته، می‌توان به یاری این دو کتیبه تا حد زیادی به شناخت تاریخ اجتماعی و ساختارهای ساسانیان آغازین آشنا شد. در این دوره، کتیبه‌ها حائز اهمیتند، اما در دوره متأخر ساسانی از انبوه مهر و اثرمهرها در تدوام یا انقطاع این ساختار و نیز تحول ساختار اداری، مثل آگاهی‌هایی که مهرهای سپهبدان در دوره خسرو اول از وضعیت نظامی می‌دهند و منابع دوره اسلامی آن را تایید می‌کنند، می‌توان یاری جست. ترکیب و آمیختن این دو منبع و استفاده از منابع تکمیلی مثل منابع سریانی و منابع ایرانی و عربی دوره اسلامی، ما را یاری می‌رساند تا بتوان ساختار حکومتی ساسانیان را بازسازی کرد.

#### منابع

- پریخانیان، گئورگیونا، اناهیت (۱۳۷۷) «جامعه و قانون ایران»، تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان (جلد سوم - قسمت دوم) پژوهش دانشگاه کمبریج، گردآورنده: احسان یارشاطر ترجمه: حسن انوشه، صص. ۱۱ - ۷۰.
- شاکد، شائول (۱۳۸۱) «برای روان، انتقال اندیشه‌ای زردشتی به اسلام»، از ایران زردشتی تا اسلام، مطالعاتی درباره تاریخ دین و تماس‌های میان فرهنگی، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر تهران: ققنوس.
- شایگان، رحیم (۱۳۷۸) «منصب هرگید در دوره ساسانی»، ایران‌نامه، یادنامه احمد تفضلی، سال هفدهم، تابستان، صص. ۲۸۷ - ۲۹۰.
- دریایی، تورج (۱۳۸۳) شاهنشاهی ساسانی، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران: ققنوس.
- لوکونین، گ. ولادیمیر (۱۳۷۲) تمدن ایران ساسانی، ترجمه عنایت‌الله رضا، تهران: علمی و فرهنگی.
- (۱۳۷۷) «نهادهای سیاسی، اجتماعی و اداری: مالیات‌ها و بازرگانی»، تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان (جلد سوم - قسمت دوم) پژوهش دانشگاه کمبریج، گردآورنده: احسان یارشاطر ترجمه: حسن انوشه، صص. ۷۱ - ۱۴۸.
- مروج‌الذهب: مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین (۱۳۴۹) مروج‌الذهب، جلد اول، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: علمی و فرهنگی.
- ویسهوفر، یوزف (۱۳۷۷) ایران باستان (از ۵۵۰ پ.م تا ۶۵۰ م). ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران: ققنوس (چاپ دوم).

-Back, M. (1978) *Die Sassanidische Staatsinschriften. Studien zur Orthographie und Phonologie des Mittelpersischen der*

*Inschriften zusammenmit einemetymologischen Indexdes mittelpersischen Wortgutes und einem Textcorpus der behandelten Inschriften.* Acta Iranica 18, Leiden.

- Gignoux, Ph. (1984) "Pour une Nouvelle Histoire de l'Iran Sasanide", *Middle Iranian Studies, Proceedings of the International Symposium Organized by The Katholieke Universiteit Leuven from the 17th to the 20th of May 1982*, ed. W. Skalmowski and Alois Van Tangerloo, pp.253-262.
- (1993) "Courts and Courtiers, ii.in The Parthian and Sasanian Periods", *Encyclopaedia Iranica, Vol. VI, F.4*, p.359f
- Henning, W.B. (1939): "The Great Inscription of Šāpūr I", *Bulletin of the School of Oriental and African Studies* 9: 601-27 [= *Selected Paper*, Acta Iranica 15, 1977(1), pp. 601- 628].
- Huyse, Ph. (1999): *Die Dreisprachige Inschrift Šābuhrs I. an der ka'ba – i Zardušt (ŠKZ). Bd 1 – 2* . London 1999.
- Maricq, A. (1958): "Res Gestae Divi Saporis", *Syria* 35. pp. 295-360 (= *Classica et Orientalia*. Paris 1965, pp.37-101).
- Shayegan, R. M. (2003): "Approaches to The Study of Sasanian History" in *Paitimana: Essays in Iranian, Indo-European, and Indian Studies in Honor of Hanns-Peter Schmidt*, ed. S. Adhami, Costa Mesa, Calif.: Mazda Publishers, pp.363- 384.
- Lincoln, Bruce. (1990) "Čehr", *Encyclopædia Iranica*, Vol. V, F.2, pp. 118 – 119.
- MacKenzie, D.N.(1998) "Ērān, Ērānšahr", *Encyclopædia Iranica*, Vol.VIII, F.5, pp. 534
- Skjærvø, P. O.(1983) *The Sassanian Inscription of Paikuli, 3.1: Restored Text and Translation, 3.2: Commentary*, Wiesbaden.– 535.

س س ا ا